انترناسیونال 718

اصغر کریمی

**منظور روحانی چیست؟**

سه نکته مهم در این اظهار نظر روحانی که گفته است "کوچک شدن سفره مردم مهم نیست، مهم اینه که دشمن بدونه مردم از دفاع از نظام دست بر نمی‌دارند" نهفته است. اول اینکه صحبت روحانی رو به گذشته دردناک مردم نیست، دارد آینده سیاه تر را توصیف میکند. نکته دوم وضعیت دردناک خود حکومت و خالی بودن پشت آن است. و نکته سوم آدرس غلط دادن درمورد دشمن است.

اگر رئیس جمهور حکومت کوچکترین دورنمایی برای بهبودی در وضعیت اقتصادی مردم داشت این حرف را نمیزد. حکومت چنان به بن بست رسیده و چنان دستش خالی است که مقاماتش دیگر حتی وعده سر خرمن هم نمیتوانند بدهند. تا چند سال قبل لااقل وعده های توخالی میدادند و شاید واقعا فکر میکردند میتوانند تغییری هرچند جزیی در زندگی مردم ایجاد کنند. اما در سالهای اخیر فقط وضعیت سیاهی را مقابل مردم قرار میدهند. هرنوع بهبودی در قدرت خرید مردم مستلزم قطع یا کاهش هزینه نیروهای سرکوب و مذهب، کنترل فساد و یا پایان دادن به تحریم اقتصادی است و حکومت در همه این زمینه ها ناتوان است. هیچ بخشی از حکومت نه مایل و نه قادر است هزینه بسیج و سپاه و اطلاعات و سایر اوباش سرکوب و یا هزینه مساجد و امام جمعه ها و تبلیغات مذهبی را کاهش دهد اینها ایدئولوژی حکومت و یا ابزار سرکوب و بقای حکومت اند. هیچ بخشی از حکومت قادر به رسیدگی به حتی یک لیست فساد اقتصادی که سالها قبل توسط پالیزدار علنی شد نیستند، چون کل بساط حکومت را به هم میریزد. پایان تحریم نیز منوط به تغییری قابل توجه در سیاست های منطقه ای حکومت است، اما حکومت- هیچ بخش آن- قادر به چنین تغییری نیست. کمک های مالی و نظامی و لجستیکی حکومت به جریانات تروریست اسلامی شرط دیگر بقای حکومت است.

اما نکته دوم نهفته در صحبت روحانی از اینهم مهمتر است. "مردم دست از دفاع از حکومت برنمیدارند" حتی ارزش مصرفی برای روحیه دادن به بدنه حکومت هم ندارد. امروز هیچ مقام درجه اول یا دوم و سوم حکومت و حتی زندانبانان و پاسداران و افراد نیروی انتظامی نیست که از خشم و نفرت عمومی مردم از حکومت و کلیه مقاماتش خبردار نباشد. ترامپ هم بخوبی از وضعیت فلاکت بار حکومت خبر دارد. ۸۸ و دیماه ۹۶ را همه دیده اند و از آن مقاطع تاکنون وضعیت مردم صدبار بدتر شده و خشم و نارضایتی مردم هم طبیعتا بالاتر رفته است. وضعیت اقتصادی بخش قابل توجهی از اقشار میانی هم بحرانی شده و حکومت بیش از هر زمانی پشتش خالی شده است. این چیزی است که مقامات و آیت الله ها را بشدت وحشت زده کرده است. این روند با شتاب به زیان حکومت در جریان است و کاری هم برای تغییر این وضعیت نمیتوانند بکنند. بن بست حکومت همه جانبه است. اینرا روحانی بهتر از هر کس دیگر میداند. صحبت روحانی حتی سر و صدای هوادارانش را هم درآورده است. این اما آخر و عاقبت مقامات حکومت هایی است که به پایان خط رسیده اند و بالاخره باید اظهار نظر! کنند.

و بالاخره به نکته سوم یعنی دشمن میرسیم. مردم با شعار دشمن ما همینجا است، آدرس واقعی دشمن را در اعتراضاتشان اعلام کرده اند. جمهوری اسلامی ۴۰ سال است بر طبل مرگ بر آمریکا کوبیده است و مردم با این شعار و با شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی و اصلاح طلب اصول گرا دیگه تمومه ماجرا دست دشمن بلافصلشان را خالی کرده اند. مردم سر جنگ با آمریکا و سایر دولت ها ندارند. هم و غم مردم سرنگونی حکومت است و ایجاد رابطه ای بدون تنش با دولت های دیگر. مردم نه تنها عامل فساد و سرکوب و تبعیض و حقوق های نجومی و فلاکت عمومی را بخوبی میشناسند بلکه میخواهند از سیاست های منظقه ای حکومت و تنش با دولت های دیگر و تحریم اقتصادی رها شوند و دولت آینده مثل خیلی کشورهای دیگر رابطه ای مسالمت آمیز با سایر دول دنیا داشته باشد. مردم تخم و ترکه هایی که در عراق و یمن و افغانستان و فلسطین و غیره از حمایت جمهوری اسلامی برخوردارند را بخوبی میشناسند و شعار سوریه را رها کن فکری به حال ما کن و دروغ میگن آمریکاست دشمن ما همینجاست بیان خواست و سیاست مردم در مقابل سیاست حکومت است. روحانی و کل حکومتیان هم دشمن واقعی و خطرناک و بلافصل خود را بخوبی میشناسند. این دشمن مثل ترامپ نیست. این دشمن بلوف نمیزند، تهدید نمیکند، قرار نیست به سازش و توافقی با حکومت برسد، میخواهد حکومت را سرنگون کند و از هر فرصتی برای جلوتر رفتن استفاده میکند.

نکته دیگر اینکه ظاهرا ترامپ که در مقابل جمهوری اسلامی بیش از همه مقامات دولت آمریکا سرسختی نشان داده است به صراحت میگوید سیاست ما تغییر این حکومت نیست حتی تغییر خامنه ای و روحانی نیست. اینرا هم مردم دیده اند و به همین دلیل منتظر معجزه ای از بالا نیستند. این فاکتوری است که اپوزیسیون راست را که اساس اتکایش برای کسب قدرت، دخالت دولت آمریکا از طریق جنگ و رژیم چنج و حمایت از این اپوزیسیون است، دچار تب و لرز کرده است. در دل این تحولات سیاسی مردم و بویژه فعالین سیاسی بیشتر به عمق حقانیت حزب کمونیست کارگری و سیاست های مسئولانه و رادیکال آن پی میبرند.

روحانی هر منظوری میخواهد داشته باشد، نکته اساسی مساله سرنگونی و اتحاد مردم حول یک سیاست رادیکال و واقع بینانه است که حزب کمونیست کارگری پرچمدار آن است. مردم با شعارهایشان و با مبارزاتشان دارند همان مسیری را میروند که حزب سیاسی شان دنبال میکند. همسویی مردم با سیاست های حزب از همیشه آشکارتر است. از جمله در ماههای اخیر نیز که تنش میان دار و دسته ترامپ با جمهوری اسلامی بیشتر شد، حزب کمونیست کارگری دست از تمرکز سیاسی و تبلیغاتی اش علیه جمهوری اسلامی برنداشت. تاکید کرد که جنگی در کار نیست اما حتی اگر هم جنگی موضعی در کار باشد باید نوک حمله مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی باشد و باید برای رهایی از جنگ و تحریم و ناامنی مبارزه علیه حکومت را تشدید کرد. حزب تلاش کرد نگذارد رسانه های فارسی زبان دست راستی و اپوزیسیون راست مشغله اصلی جامعه برای سرنگونی را به مسائل دیگری معطوف کنند و مردم را در حالت انتظار نگهدارند. تفاوت سیاست های حزب با سایر جریانات سیاسی در این زمینه را نیز مردم و بویژه فعالین سیاسی بخوبی میبینند و دنبال میکنند. امروز مهمترین فاکتور سیاسی در جامعه ایران، روی آوری هرچه وسیعتر به حزب کمونیست کارگری است برای تقویت مبارزات روزمره مردم، برای آمادگی هرچه بیشتر برای سرنگونی حکومت، برای خلاص شدن از شر تحریم اقتصادی و خطر جنگ و برای ساختن جامعه ای که آرزوی اکثریت مردم شریف و آزادیخواه است.\*